

ضرورت پاسداشت مقام پدر و مادر در قرآن

پدر و مادر به عنوان دو انسان فداکار و زحمتکش که تمام بار مسئولیت های مربوط به تربیت فرزند را بر دوش دارند، در نزد خداوند از جایگاه منحصر به فردی برخوردار هستند...



پدر و مادر به عنوان دو انسان فداکار و زحمتکش که تمام بار مسئولیت های مربوط به تربیت فرزند را بر دوش دارند، در نزد خداوند از جایگاه منحصر به فردی برخوردار هستند به طوری که در چندین آیه قرآن کریم، بر لزوم اطاعت و تکریم آنها فرمان داده شده است و ذات باری تعالی نام آنان را در ردیف نام خود قرار داده و بر رعایت مقام و منزلت آنها تأکید نموده است. در مقاله حاضر نویسنده ضمن تشریح موضوع احترام، به پاره ای از تأکیدات قرآن درخصوص ضرورت تکریم پاسداشت مقام پدر و مادر اشاره کرده است که اینک با هم آن را از نظر می گذرانیم.

جایگاه احترام در جامعه و رفتارهای انسانی

احترام در حوزه کنش های ارتباطی از جایگاه خاصی برخوردار است. اصولاً انسان های بی احترام نمی توانند اجتماعی را تشکیل دهند. ... از این رو احترام متقابل به عنوان عنصر و مولفه اصلی در ایجاد جامعه دارای جایگاه و اهمیت خاصی است. با حفظ حریم ها و حرمت هاست که زمینه تعامل سازنده و مثبت میان دو شخص فراهم می شود. به هر حال دو شخص، شخصیت ها و اندیشه ها و خواسته ها و منافع و نیازهای مستقل و جداگانه ای دارند و گاه این تفاوت ها خود عامل مهمی برای اختلاف و جدایی است. از این رو برخی از اندیشمندان چون استاد مرتضی مطهری بر این باور هستند که اصل، در میان انسان اختلاف است و تنها با بهره گیری از اصولی انسانی می توان آن را به اتحاد تبدیل کرد.

علامه طباطبایی خاستگاه و ریشه آن را در اصل استخدام می داند و بر این نکته تأکید می ورزد که استخدام، خود عاملی مهم در ایجاد اختلافات و هم چنین ایجاد و پدیداری جوامع است. به این معنا که دو شخص با دو شخصیت مستقل و متفاوت با یک دیگر، اختلاف طبیعی دارند ولی از آن جایی که می کوشند منافع خود را که به تنهایی قابل دست یابی نیست با استخدام بهره گیری از دیگری برآورده سازند و لذا با دست کشیدن از برخی خواسته های کوچک تر و ریزتر و کوتاه آمدن از برخی دیگر، اجتماع را تشکیل می دهند تا با بهره گیری و استخدام دیگری به خواسته ها و منافع بزرگ تری دست یابند. البته استخدام و ایجاد اجتماع، پیامدهای ناهنجار و تضادهایی را به همراه دارد که گاه به تنازع و حتی درگیری های خشونت آمیز می انجامد. از این روست که قانون برای جلوگیری از افزایش اختلافات و تنازع به وجود آمد.

به هر حال اصول اجتماع بر پایه احترام متقابل و حفظ قانون و رعایت آن نهاده شده است. البته پیش از این که قانون حضور یابد احترام متقابل است که پایه های اجتماع را حفظ می کند و جامعه را معنا می بخشد. دو شخص، تنها زمانی نیاز به قانون می یابند که نتوانند با توجه به اصول انسانی و ظرفیت های عاطفی و اخلاقی با یک دیگر تعامل سازنده داشته باشند و کنار بیابند. زمانی قانون پا به میدان می گذارد که عواطف و اصول اخلاقی انسانی نتواند تعامل را در موقعیت خود به درستی حفظ و برقرار کند. از این زمان است که عقل به شکل قانون حضور می یابد و با اصول خشک و غیرعاطفی و احساسی می کوشد تا تعادلی میان دو سوی درگیری برقرار کند.

بنابراین احترام که خاستگاهی عاطفی و احساسی دارد عاملی مهم و اساسی در حفظ تعادل اجتماعی و بقای ارتباط میان دو شخص و یا اشخاص و یا گروه های اجتماعی به شمار می آید. خانواده، اجتماعی متفاوت

مسئله زن و شوهر در تحلیل قرآنی از هر اجتماع دیگری متفاوت است و تحلیل و تبیین دیگری دارد. اصولاً نمی توان روابط زن و شوهر را براساس روابط اجتماعی ای سنجید و یا تحلیل کرد که بیرون از دایره زن و شوهری هستند.

زن و شوهر در تحلیل قرآنی تنها برای استخدام اجتماع، خانواده تشکیل نمی دهند تا اصول اجتماعی آن را همانند دیگر اجتماع فرض کرد و یا اصول اجتماعی بیرون از دایره خانواده را بدان تعمیم و گسترش داد. بررسی این مطلب فرصت دیگری را می طلبد ولی در کوتاه سخن می توان گفت که خانواده از نظر قرآن تنها نهادی است که بر پایه عاطفه و احساس شکل می گیرد و مرد در تحلیل قرآنی تنها با زن آرامش و سکونت می یابد و زن بی مرد اصولاً قوام نمی یابد و بی بهره گیری از تکیه گاهی به نام شوهر اصولاً نمی تواند برپا باشد. از این رو زن برای قوام خویش به مرد نیاز ذاتی دارد و مرد برای دست یابی به آرامش درون، نیاز ذاتی به زن دارد بر این اساس اجتماع زن و شوهر را نمی توان در دایره دیگر اجتماع دید. اصول و معیارهای ایجاد و پایداری آن با دیگر اجتماعات، تفاوت اساسی دارد و تنها وجه مشابهت آن در همان جمع و اجتماع دوتن البته با دو جنسیت مخالف و متفاوت یعنی زن و مرد است.

هر اجتماعی حتی اجتماع زن و شوهر و خانواده (دراین جا شامل فرزندان نیز می شود) براساس اصل احترام متقابل قوام می یابد و پایدار می گردد. از این روست که احترام در همه حوزه های اجتماعی از خرد تا کلان نقش سازنده و اساسی ایفا می کند.

احترام از واژه های غیرمصرح قرآنی است که از ریشه حرم و حرمت گرفته شده. حریم چاه به معنای آن محدوده ای است که نمی توان بدن نزدیک شد و کسی حق تصرف و حفر چاه دیگر در آن محدوده را ندارد.

حرمت شخص به معنای چیزی است که شخص از آن حمایت و دفاع می کند. احترام براین اساس چنان که در اصطلاحات عرفی نیز آمده به معنای تعظیم و تکریم و گرامی داشت شخص است که بی ارتباط با معنای لغوی آن نیست؛ زیرا شخص یا هر چیز دیگری که محل احترام است، از نظر مردم دارای حرمت و حریمی است که می بایست آن را حفظ کرده و هتک آن نکرد. چنان که گفته شد در قرآن این اصطلاح با لفظ احترام به کار نرفته ولی مفهوم آن به شکل اصطلاحات دیگر و یا بیان مصداقی احترام، تبیین و توصیه شده است. از این رو در آیات قرآنی سخن از حرام به معنای محترم شمردن ماه های خاص (توبه آیه 5)، نفس و جان آدمی (انعام آیه 151) خانه خدا (مائده آیه 97) و نیز تکریم (علق آیه 3 و اسراء آیه 70) و احسان و نیکوکاری (بقره آیه 83 و نساء آیه 36) و توقیر و بزرگداشت (فتح آیه 9) و تعزیز (همان) و تعظیم (حج آیه 30 و 32)، بسیار آمده که همه این ها همان مفهوم احترام اصطلاحی را به گونه ای بازگو می کند.

قرآن در برخی از موارد با بیان مصادیق، به بازگویی احترام پرداخته و با تبیین موضوعی و مصداقی، مردمان را به عملی کردن احترام توجه داده است. به سخن دیگر احترام را تنها در حوزه گفتاری نگه نداشته و به حوزه عمل و رفتار اجتماعی سوق داده است تا شخص در کنش ها و واکنش های رفتاری، هنجار خاصی را به عنوان احترام مراعات نماید. به عنوان نمونه همان گونه که از صلوات فرستادن بر پیامبر به زبان و دل به عنوان نوعی احترام و تکریم آن حضرت (ص) یاد کرده (احزاب آیه 56 و نور آیه 27) و یا از سلام و تحیت گفتن زبانی سخن گفته است، (نساء آیه 86) از سجده کردن (یوسف آیه 100) اذن و پیش اجازه (احزاب آیه 53 و نور آیه 27) به عنوان نمودهای خارجی و عملی احترام یاد نموده است.

عدم تقدم بر دیگری، بلند نکردن صدا در برابر دیگران و آرام سخن گفتن، از دیگر نمونه های مصداقی احترام است که قرآن به آن اشاره کرده است. این آیات هرچند که درباره چگونگی احترام گزارشی به پیامبر (ص) است ولی می توان آن را به دیگر افراد نیز تعمیم داد.

در عرف مردم، روش های دیگری برای احترام وجود دارد که هر یک با توجه به سنت ها و آداب اجتماعی و فرهنگی مردم هر منطقه و یا هر جامعه متفاوت است. بلند شدن و یا دست به سینه بودن و یا بوسیدن پای والدین از نمونه هایی است که در جوامع مختلف برای احترام گذاشتن استفاده می شود.

انسان، نیازمند احترام

انسان به طور طبیعی احساس نیاز می کند که مورد توجه و احترام و تکریم قرار گیرد. گرایش ذاتی انسان به این است که آبرومند و با کرامت و با شخصیت و اعتبار اجتماعی باشد و از سوی مردم تکریم شود و آبروی وی حفظ و حرمت هایش پاس داشته شود. در داستان یوسف و زن عزیز مصر به این نکته به روشنی اشاره شده است. با آن که عمل خلاف و ناهنجاری از سوی همسر عزیز صورت گرفته اما وی از یوسف (ع) می خواهد که به پاسداشت آبرو و حیثیت اجتماعی از بیان داستان و رخداد خودداری کند. (یوسف آیه 29) هم چنین حضرت لوط (ع) از مردم خویش می خواهد که به خاطر حفظ احترام و پاسداشت آن، از تعرض به میهمانان وی خودداری کرده و او را نزد میهمانانش شرمنده نسازند. (حجر آیه 68 و 69)

قرآن از مردم می خواهد که برای حفظ آبرو و حرمت و احترام خویش به اعمالی نپردازند که موجبات خواری و بی احترامی شان را فراهم می آورد و آبروی آنان را در دنیا و آخرت از بین می برد. (نور آیه 4 و 23 و نیز نساء آیه 148 و زمر آیه 25) از نظر قرآن احترام به دیگران و بی احترامی به آنان دارای آثار وضعی و تکلیفی و نیز پاداش و کیفر خاصی است. در برخی آیات قرآنی به اثر وضعی بی احترامی، اهانت و تحقیر دیگران در آخرت اشاره شده است. (مطففین آیه 29 تا 36) در برخی دیگر نیز اشاره شده که کاهش نعمت و عدم جلب سود و یا خیر، به علت و سبب بی احترامی و عدم پاسداشت امری بوده است که می بایست حرمت و احترام آن نگه داشته می شد. (حج آیه 30)

جایگاه تکریم پدر و مادر در نزد خداوند

احسان و تکریم به پدر و مادر از جایگاه بسیار بلندی برخوردار است و خداوند همواره پس از بیان حکم وجوب پرستش خدای یگانه، به احترام و تکریم پدر و مادر اشاره کرده و حکم می کند؛ و بالوالدین احسانا (بقره آیه 83 و نیز نساء آیه 36)

قرآن در آیه 83 سوره بقره احسان به پدر و مادر را به عنوان پیمان خداوند با بنی اسرائیل یاد کرده است و می فرماید: و اذ اخذنا ميثاق بني اسرائيل لاتعبدون الاالله و بالوالدین احسانا؛ و هنگامی که از بنی اسرائیل پیمان و عهد گرفتیم که جز خدا را نپرستند و به پدر و مادر احترام گذارند و احسان و نیکی کنند.

در این آیه و نیز در چهار مورد دیگر از جمله در سوره اسراء آیه 23 هنگامی که خداوند به مردمان فرمان می دهد که تنها او را بپرستند، بی درنگ حکم و فرمان احسان و نیکی به پدر و مادر را مطرح می سازد که بیانگر میزان اهمیت و جایگاه احسان به پدر و مادر در پیشگاه خداوند است. به این معنا که پرستش خدای یگانه و احسان به والدین در کنار هم آمده تا مردمان از جایگاه پدر و مادر آگاه شوند.

اگر خداوند به عنوان آفریدگار و پروردگار می بایست پرستش شود، پدر و مادر نیز به عنوان واسطه فیض وجود و نعمت های خداوندی بر انسان، باید مورد احترام و احسان قرار گیرند. از این رو خداوند امور چندی را که می تواند نسبت به خدا و پدر و مادر به جا آورده شود در کنار هم می آورد. به سخن دیگر اگر عبودیت و پرستش کسی غیر از خدا جایز بود آن شخص همان والدین هستند و از آن جایی که چنین امری کفر و شرک است خداوند فرمان می دهد که به جای پرستش ایشان در حق آنان

احسان شود. احسان، برترین حالتی است که پس از پرستش می توان تصور کرد. به این معنا که احسان مرتبه دوم پرستش است و اگر پرستشی به غیر خدا جایز بوده حکم به آن می شد و چون امکان پذیر نیست مرتبه دوم آن مورد تأکید قرار گرفته است. امور دیگری که جایز است انسان هم نسبت به خدا و هم غیر خدا به جا آورد، خداوند در آیات قرآنی به آنها فرمان داده و از مردمان خواسته است تا آنها را انجام دهند. از این رو در آیه 14 سوره لقمان فرمان می دهد: ان اشکر لی و لوالدیک؛ از من و پدر و مادران تشکر کنید.

برخی از مفسران باتوجه به نکره بودن احسان در آیه 23 سوره اسراء بر این باورند که نکره آوردن به معنای آن است که فرزندان می بایست در همه امور در حق آنان مراعات احسان را بکنند و چیزی را فروگذار نکنند. این حکم قرآنی اختصاصی به مؤمنان نداشته و همه انسان ها را دربرمی گیرد. قرآن به این شیوه دیگرانی را که ایمان به قرآن و خدا ندارند تشویق می کند که حداقل در حق پدر و مادر خویش به حکم وظیفه انسانی، احسان و احترام بگذارند.

روشهای احسان و تکریم والدین

احسان و احترام به پدر و مادر باتوجه به سنت ها و فرهنگ ها متفاوت است ولی اصولی انسانی است که می توان در همه جا آن را یافت و بدان پای بند بود.

برخورد پسندیده براساس عرف هر جامعه و به کارگیری واژگان زیبا و شیوا، تواضع و فروتنی در برابر آنان، مهربانی و محبت، دعای خیر کردن برای ایشان، دوری از درشت گویی و یا حتی به کار نبردن واژه اف و خسته شدم و آخ و دیگر اصوات نابهنجاری که ایشان را ناخوش آید از جمله روش های احسان و اکرام و احترام به پدر و مادر است.

فریاد زدن و درشتی کردن و اف و اخ کردن و اعتراض نمودن و دشنام و ناسزا دادن و پیشی گرفتن از ایشان در نشستن و دراز کشیدن و امور دیگر می تواند از مصادیق بی احترامی به آنها باشد که می بایست از آنها پرهیز کرد. اطاعت کامل از پدر و مادر امری است که قرآن بدان فرمان داده و تنها موردی که استثنا شده و شخص می تواند از دستور پدر و مادر اطاعت نکند و با حفظ احترام ایشان از آن سرپیچی کند دستور آنها به کفر خداست که در این مورد می توان از حکم و فرمانشان اطاعت نکرد. اما در همه موارد دیگر می بایست از ایشان اطاعت کرد و فرمان برد.

در روایت اهل بیت(ع) احترام به پدر و مادر و احسان به ایشان به معنای برخورد نیکو و رسیدگی به نیازهای آنان پیش از درخواست، و ابراز قول کریم به معنای طلب مغفرت آمده است.

تعبیر جناح الذل نیز نگاه با رأفت و رحمت و دوری از نگاه های تیز و تند و بلند نکردن صدا و بالا نبردن دست و پیش نیفتادن از آنان معنا شده است. (کافی ج2 ص715 تا 316) بر جای بلند و برتر نشانیدن از دیگر روش های تکریم و احسان به پدر و مادر و احترام نهادن به آنان است که از آیه 010 سوره یوسف می توان آن را به دست آورد. به هر حال تکریم و احترام به پدر و مادر امری است که بیش از هر کار دیگری بدان تأکید شده و نمی توان از آن چشم پوشید. نادیده گرفتن و بی احترامی به ایشان در این دنیا موجب می شود تا شخص گرفتار مصیبت ها و بلاها گردد و خیر و برکت از زندگی او برود و در آخرت نیز خوار و ذلیل شود.

www.helal.ir